



ارمغان شعر شیعه؛ در رثای ائمه اطهار

گزیده‌ای از سروده‌های محمود احمدی

«محمود احمدی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در روستای رک از توابع شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. پس از عزیمت به مشهد و پرداختن به حرفه‌ی بنایی به یکی از معماران چیره‌دست مشهد تبدیل شد. حضور پیگیر او در محافل ادبی شعرای برجسته‌ی مذهبی مشهد از یک سو و مطالعه‌ی آثار تاریخی و مذهبی اسلام و تشیع و شاعران برجسته زبان پارسی از سوی دیگر قریحه‌ی شعری وی را شکوفا کرد. محمود احمدی از میانسالی سرودن اشعار مذهبی در وصف ائمه اطهار را آغاز کرد. کتاب ارمغان شعر شیعه گزیده‌ی سروده‌هایی است که از آثار چاپ‌نشده‌ی وی (مصائب الشهداء کبیر/ صغیر، فراقستان کبیر/ صغیر) گردآوری شده است. مجموعه‌های دیگری از سروده‌های او به ویژه غزل‌هایی که درباره‌ی امام عصر (عج) سروده و نیز اشعار سینه‌زنی وی در آینده انتشار خواهد یافت. این شاعر با اخلاص اهل بیت در فروردین ماه ۱۳۸۳ خورشیدی در شهر مشهد دیده از جهان فروبست.»

«ارمغان شعر شیعه» که گزیده‌ای از آثار این شاعر سوخته‌دل است به همت فرزند برومندش استاد دکتر حمید احمدی، استاد دانشگاه تهران منتشر شده است. این مجموعه چهار بخش با موضوعات زیر را دربر گرفته است: «بخش نخست مناجات‌نامه‌ها در ستایش پروردگار؛ بخش دوم غم‌ها و شادی‌ها در رثای پیامبر و ائمه اطهار؛ بخش سوم پندیات و

اندرزها؛ بخش چهارم هم یادها و یادبودهاست.» در بخش چهارم سروده‌هایی از محمود خراسانی در رثای بزرگان و علمای دین و دانش چون آیت‌الله العظمی بروجردی، علامه امینی، امام خمینی، آیت‌الله طالقانی... مندرج گشته است.

در پیشگفتاری که دکتر حمید احمدی با عنوان «تشیع در شعر پارسی و شعر محمود احمدی» نوشته، آمده است: «بی‌گمان هیچ کشوری همچون ایران و جهان ایرانی و هیچ زبانی چون زبان فارسی جایگاه و ابزار ادبیات منظوم جامعه بشری نبوده است.» در ادامه دلایل گرایش ایرانیان به اهل بیت (ع) و سپس تجلی این گرایش در شعر پارسی از قدیمی‌ترین ایام تا عصر قاجار را پی گرفته است. مرقد منور امام همام امام رضا (ع) منبع فیض و الهام شعرای فارسی‌گوست که دکتر احمدی بحث مستوفایی در «نقش خراسان در ادبیات مدح و مراثی» اهل بیت (ع) از آن سخن گفته است.

سیری در زندگی و احوال و آثار محمود احمدی خراسانی (بیرجندی) این واقعیت را آشکار می‌سازد که این روستازاده و بنایی زبردست با عشق و علاقه‌ای که از کودکی و نوجوانی به اهل بیت به ویژه امام حسین (ع) و مرثیه‌سرایی داشت، به عرصه شعر و سرودن اشعار مذهبی کشیده شد و با همین عشق و شور، در سرودن مرثیه به مراتب بالایی نایل گردید. این شاعر دل‌سوخته بر دل داغ جوان شانزده ساله‌ای داشت که در سال ۱۳۶۳ در دفاع از ایران اسلامی در سرپل ذهاب به شهادت رسید؛ این است که اشعار مرثیه او به ویژه در رثای شهدای کربلا و آن هم حضرت علی‌اکبر سوز دیگری دارد.

«بی‌تو ای اکبر من دامن صحرا چه کنم

تو که رفتی پسرم یکه و تنها چه کنم

...

احمدی گفت منم داغ جوانان دیدم

روز گر ناله نکردم دل شب‌ها چه کنم

(ص ۲۰۶)

مناسب است اشعاری را که وی در صف امام مجتبی سروده با هم بخوانیم و از آن امام

همام علو درجات این شاعر با افتخار اهل بیت را بخوانیم:

نزول پیک سرمدی

در تولد امام حسن مجتبی (ع)

ز لطف بیکران حق مدح من از حسن کنم
به شام مولدش همی برون ز دل مَحَن کنم
سلام بر جناب او ز طوس هر ز من کنم
پیام شادیش همی به گوش‌ها علن کنم
نزول مقدم حسن بیان به مرد و زن کنم
به نیمه مه صیام ز فاطمه پدید شد
ز مولدش سما و ارض تمام با مزید شد
اگر نحوستی بدی به نیم مه سعید شد
مدینه از وجود او منور و سفید شد
به مولدش ز قلب‌ها برون همی محن کنم
نزول پیک سرمدی به خانه علی شده
خوری قلب به مجتبی چو بدر منجلی شده
ز بعد مرتضی حسن بر این جهان ولی شده
خلیفه دوم حسن بدان که بر نبی شده
کجا سزد که مثل من مدح آبر حسن کنم
چه کودکی که وجه او تمام با حسن بود
صفات نیک و صورتش تمام در حسن بود
نقوش زیب کلک حق به چهره حسن بود
تمام زیب و زیورش ز صنع ذوالمنن بود
اگر میسر شود به کوی او وطن کنم
کسی که جد امجدش رسول مصطفی شده
کسی که باب انورش علی مرتضی شده
کسی که مام ماجدش چون خیره‌النسا شده
کسی که جزء سوره شریف هل اتی شده

به من که واجب آمده نثار او سخن کنم
به مولد حسن خدا مریض‌ها شفا بده
در این مه مبارکت قبولی دعا بده
خدا رضایتی ز ما به طوس بر رضا بده
به اهل محفل از کرم جواز کربلا بده
احمدیم که خواهی خاک بقیع کفن کنم

آمده عنقای صبر

در مولد امام حسن مجتبی (ع) که صبر محض است

دوش شنیدم ز غیب آمده عنقای صبر
قله قاف قدم گشته مصفای صبر
صبر شده بی‌سکون یکسره از صبر او
صبر شده مات از آن قُلْزُم و دریای صبر
مات خلیل آمده نار شده بی‌قرار
آتش نمرودیان سوخته در پای صبر
عیسی بگردون‌نشین مرده اگر زنده کرد
دار فنا را ندید رفت ز دل جای صبر
خضر اگر زنده است هست در این کائنات
قطره‌ای نوشیده است زاب بقایای صبر
قلْزُم با آن شکوه گاه به جذر است و مند
در دل او هیچ نیست تاب شکیبای صبر
نیمه ماه صیام لیل‌ه اسرا شده
چون که در او آمده حل معمای صبر
خانه زهرا شده جایگاه حوریان
آمده در روز گیار شاخه طوبای صبر
از علی و فاطمه گوهری آمد پدید
داده عیار آن پسر لؤلؤ لالای صبر

آن پسر باوقار کآ آمده نامش حسن
دوخت قضا بر تنش قبای والای صبر
صبر ثمر آورد مثل بهار از مطر
جنگ ظفر آورد لیک به آوای صبر
یا حسن مجتبی ای که تویی گنج صبر
هست قیام و قعود هر دو به امضای صبر
صلح تو باشد جهاد در ره دین یا حسن
قیام کریلا شدی ز معنای صبر
صبر اگر نی بدی هیچ قیامی نبود
ایده هر انقلاب بسته به ایمای صبر
یا حسن مجتبی ای پسر فاطمه
به گوش ما از بقیع می رسد آوای صبر
هر که بیاید به آن وادی پر سوز و ساز
حلقه چشمش شود آب چو دریای صبر
آرزوی یثرب و کریلا می کنم

نیست بر احمدی جز دل شیدای من
حسن ختام ذکر یاد این شاعر دل سوخته ترجیح بند زیبای او در توسل به امام
دوازدهم (عج) است باشد که از خدای تعجیل فرجش را بخواهیم:

بنمای تو پای در رکابت

ترجیح بند در توسل به امام دوازدهم

وی جایگزین جد اکرم	ای خاتم اوصیاء خاتم
ای زاده خواجه دو عالم	ای باعث رزق کل مخلوق
ای مفخر دودمان آدم	وی فخر حریم آل عصمت
والله که این بود مسلم	تو باعث هستی جهانی
شوینده ز قلب اولیاء غم	تاج سر انبیاء مرسل

با عشق تو زنده گانی ماست بر پاست جهان ز تو مکرم

بنمای تو پای در رکابت

بردار تو از جین نقابت

ظاهر تو بشود دگر ز غیبت ای رهبر و پیشوای ملت

هستی به مثل تو مثل خورشید نور مطلق به امت

بر جمله دوستان نظر کن با دیده عفو و جود و رحمت

این روز تولد تو باشد داریم ز تو امید رأفت

تقصیر ز ما بود که عمری رفتیم تمام سوی غفلت

هان ما ز تو روی برنتابیم بر کس ندهیم هیچ قیمت

بنمای تو پای در رکابت

بردار تو از جین نقابت

باشد شب نیم ماه شعبان جمعند تمام حق پرستان

لکن ز تو جای هست خالی بی تو شده این همه چو مستان

یکدم قدمی تو رنجه فرما ای قله نمای نیک بختان

زنگار ز قلب ما تو بزدای رحمی بنما به زیردستان

جانها به لب آمد از فراق این رسم نباشد از بزرگان

پروانه شمع مقدمت را از هجر دگر چنین مسوزان

بنمای تو پای در رکابت

بردار تو از جین نقابت

از کعبه ندای دل ربا را بر گوش رسان همه فضا را

بر گو که منم امام غائب ظاهر بنما همه صفا را

در کوفه بزن مقرر اسلام افراشته کن تو خود لوا را

بر گیر حقوق حقّه خود از حقّ علی مرتضی را

در کربلا نظر بفرما دریاب شهید کربلا را

بر خواجه تو کن نظر ز احسان پند رخت ای مه دل آرا

بنمای تو پای در رکابت

بردار تو از جین نقابت